

لحن تهدیدآمیز توییت‌های علی واعظ، فرد نزدیک به رابرت مالی مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا چه معنایی دارد؟

# آمریکا مدیریت پروژه ترس را به خبرنگار ایرانی داد

«توافق کمتر در مقابل کمتر» است که برای طرفین وقت بخرد تا شرایط مهیا شود و بتوانند به یک توافق براساس یک گفت‌وگو متفاوت با محورهای جدید برسند، در ادامه این گفت‌وگو برخلاف ادبیات حال حاضر توییت‌هایش که به روشنی رنگ و بوی تهدید ایران به خود گرفته، واکنش احتمالی تیم مذاکره‌کننده آمریکایی که خود یکی از مشاوران ایرانی آن محسوب می‌شود را این‌طور شرح می‌دهد: «من فکر می‌کنم آمریکا از یک توافق موقت استقبال می‌کند برای اینکه اصولاً انگیزه اصلی آمریکا در برجام هم این بود که بتوانند از حاد بودن موضوع هسته‌ای ایران بکاهد

تا بتواند بر موضوعاتی که برایش اهمیت بیشتری دارد یعنی رقابت با چین و روسیه تمرکز کند. به این دلیل است که آمریکا از یک توافق موقتی که جلوی هسته‌ای‌تر شدن ایران را بگیرد و در عین حال تحریم‌های کمتری را لغو کند، استقبال می‌کند.»



این تعادل در راهکار دیپلماتیکی که غرب را به ۲۵ درصد امتیازاتش برساند و ایران را به ۱۵۰ درصد وجود ندارد. «جملاتی که خوشبین‌ترین مخاطب هم نمی‌تواند نسبت به آن خوشبینانه نتیجه‌گیری کند. مدیر میز ایران در گروه بین‌المللی بحران رسماً مذاکره‌کنندگان ایرانی را متهم به زیاده‌خواهی کرده و عملکرد طرف‌های اروپایی در جریان مذاکرات را تهنیت می‌کند و ادعا دارد آنها بوده‌اند که منطقی‌تر عمل کرده‌اند. نکته دیگر آنکه اگر طبق این گفت‌وگو خرداد ۱۴۰۲ را آخرین مهلت ادعایی او برای ایران در نظر بگیریم که در حال حاضر بیش از نیمی از آن هم طی شده، غربی‌ها تقریباً باید افکار عمومی ایران را طبق برنامه درگیر التهاب

کنند. التهاباتی که مقامات ایرانی را وادار به عقب‌نشینی کند و در این میان چه تهدیدی کارآمدتر از مانور دادن روی کلیدواژه‌هایی مثل «مکانیسم ماشه»؟ واعظ در پایان این گفت‌وگو با تکرار ایده «توافق کمتر در مقابل کمتر» از مختصات توافق مدنظرش تحت عنوان «محورهای جدید» یاد می‌کند و آن را نتیجه «توافق براساس گفت‌وگو متفاوت» می‌داند. او در این‌باره می‌گوید: «راه‌حلی که به نظر می‌رسد از همه راه‌حل‌های دیگر منطقی‌تر است،

اهرم مذاکراتی که شما را به نتیجه مطلوب نرساند، ائتلاف وقت و انرژی است.» می‌گوید: «نتیجه‌گیری سازمان‌های اطلاعاتی غربی این است که با وجود اینکه ایران قابلیت دستیابی به بمب اتم را دارد، اما تصمیم سیاسی ندارد. اگر این نتیجه تغییر کند، «ریسک درگیری نظامی هم بیشتر می‌شود»، به‌ویژه اینکه امروز تندرست‌ترین و دست‌راستی‌ترین دولت اسرائیل هم دارد سر کار می‌آید. «در جای دیگر از این گفت‌وگو تفصیلی، با مطرح کردن لفظ «گریز هسته‌ای» که یکی از پرتکرارترین لغات استفاده‌شده از سوی مقامات آمریکایی درباره برنامه هسته‌ای ایران است، به رابرت مالی، رئیس‌خود در گروه بین‌المللی بحران ادای دین کرده و این‌طور ادامه می‌دهد: «از سوی مقابل هر چقدر برنامه هسته‌ای ایران پیشرفت کند، زمان برای بازگرداندن این برنامه به عقب‌بیشتر می‌شود. حتی اگر تابستان برجام احیا شده بود، زمان گریز هسته‌ای که در برجام بیش از یک سال در نظر گرفته شده، قابل احیا نبود و زمان گریز هسته‌ای به شش ماه کاهش پیدا کرده بود.» واعظ از آنجایی که به نوعی مشاور تیم مذاکره‌کننده آمریکایی محسوب می‌شود، در این گفت‌وگو که «شش ماه بعد از آن» اوایل خرداد ۱۴۰۲ خواهد بود تلویحا از طرف غربی‌ها به ایران ۶ ماه فرصت می‌دهد و می‌گوید: «اگر شش ماه دیگر برجام احیا شود این زمان گریز برای ایران دو یا سه ماه می‌شود. دو یا سه ماه گریز هسته‌ای یعنی غرب فقط ۲۵ درصد از امتیازات هسته‌ای مدنظرش در برجام را به دست آورده، درحالی که ایران به دنبال امتیازات ۱۵۰ درصدی از احیای برجام از جمله تعیین خسارت یا دریافت تضمین است. به این ترتیب

علی واعظ برای مخاطب ایرانی جلب توجه می‌کند، تغییر رویکرد نامحسوس [و البته در بعضی مقاطع محسوس] او در پوشش اخبار و البته «تحلیل‌های کارشناسان داخلی و خارجی درباره مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای +۵ از طریق صفحه شخصی‌اش در توئیتر است. تحلیل‌هایی که گویی ادبیات و رویکردش را به‌طور لحظه‌ای با شرایط داخلی ایران تطبیق داده و لحش را متناسب با آن به‌روز می‌کند. از این منظر که مثلاً در پاییز ۱۴۰۱، یعنی روزهایی که ناآرامی‌های خیابانی ایران در اوج قرار داشت، تغییر ادبیات مقامات یا شخصیت‌های وابسته به مقامات دولت‌های غربی به یک مساله قابل پیش‌بینی و عادی تبدیل شده بود (درباره «قابل پیش‌بینی» بودنش صحبت می‌کنیم). مثلاً ادبیات مقامات رسمی کشورهای اروپایی که تا چند هفته قبل از آن، با نمایندگی جمهوری اسلامی ایران پای میز مذاکره بر سر مسائل هسته‌ای و تحریم‌ها ننشسته بودند، به‌طرز قابل توجهی رادیکال شد و جریانات ایرانی برانداز مقیم خارج از کشور در نتیجه همین تغییر لحن هاد چارنوعی خطای محاسباتی شدند که دیگر کار نظام ایران یکسره می‌دانست. در صورتی که روح‌لیدرهای اپوزیسیون ترجم‌برانگیز ضد ایرانی هم خبر نداشتند در نهایت قرار است چه بلایی سر تکتک آنها بیاید. اما در مورد قابل پیش‌بینی باید روند مذاکرات را یادآور شد. روندی که در آخرین مرحله‌اش قبل از شلوغ شدن خیابان‌های ایران، نه مذاکره‌کنندگان کشورمان حاضر به عقب‌نشینی از خواسته‌های قبلی‌شان شده بودند و نه طرف‌های غربی درباره رفع همه تحریم‌ها تضمینی ارائه کرده بودند. در چنین شرایطی، دولت‌های اروپایی و آمریکا به‌هم‌ریختن آرامش خیابان‌های تهران را بهترین فرصت برای افزایش فشارها علیه ایران می‌پندند. به افرادی که خود را رهبر ناآرامی‌های داخلی ایران اعلام می‌کردند وقت ملاقات می‌دادند و برای تهییج آنها، پشت‌درهای بسته اتفاقات داخلی ایران را «انقلاب» عنوان می‌کردند. البته بعداً معلوم شد پشت آن درهای بسته، کلماتی غیر از «انقلاب» هم از دهان مقامات اروپایی خارج شده که جریانات اپوزیسیون تا هفته‌ها به روی خود نمی‌آوردند و سرآخ‌گاف دادند که در یکی از این جلسات که در کاخ البرزه و به میزبانی مکرون تشکیل شده، رئیس‌جمهور فرانسه خطاب به مصی‌علی‌نژاد و لادن برومند که اصلی‌ترین حاضران آن جلسه بوده‌اند گفته «نه وظیفه داریم، نه اعتقاد داریم و نه مایلیم که نظام سیاسی شما را تغییر دهیم!» یعنی مقامات اروپایی در اوج ناآرامی‌های خیابانی پاییز ۱۴۰۱ هم اعتقادی به اینکه قرار است اتفاق ویژه‌ای در ساختار سیاسی ایران رخ دهد نداشته‌اند و جریانات برانداز را سر کار گذاشته‌اند تا شاید بتوانند پای میز مذاکرات از نمایندگان تهران امتیاز بیشتری بگیرند. اتفاقی که البته رخ نداد و واقعیت میدانی ایران به سمتی رفت که ادبیات طرف‌های غربی در مواجهه با تهران را هم به تنظیمات کارخانه برگرداند. یعنی شکست دو پروژه منزوی کردن ایران در جامعه جهانی و براندازی در پاییز ۱۴۰۱ باعث شد دستورکار دلالتان مذاکره هم تغییر کند. یعنی همان‌هایی که به امید کوتاه آمدن تهران در اوج ناآرامی‌ها حرف از توافق موقت می‌زدند و بسا ضریب دادن به جریانات برانداز امید داشتند که ایران پای میز مذاکرات حاضر خواهد شد و امتیازات بیشتری به طرف‌های غربی خواهد داد، بسا ناگام ماندن در آن فضا و بازگشت آرامش به خیابان‌های ایران، در تغییر ادبیاتی روشن، از مکانیسم ماشه گفتند و تصمیم گرفتند تهران را با ادبیات تهدید وادار به دادن امتیاز کنند. البته در این میان، بازخوانی بخش‌هایی از گفت‌وگوی ۹ آذر ۱۴۰۱ واعظ با رونامه اصلاح‌طلب هم‌میهن درباره آینده توافق احتمالی بین ایران و غرب بر سر مساله هسته‌ای هم از این جهت که بدانیم «مدیر میز ایران در گروه بین‌المللی بحران» در روزهایی که ناآرامی‌های داخلی کشور در حال فروکش کردن بوده است چه طرز فکری درباره روند مذاکرات داشته جالب خواهد بود. واعظ در بخشی از این گفت‌وگوی مفصل، در پاسخ به این سوال که: «گزینه آلت‌رناتیو ایران چیست؟ بعضی تحلیلگران معتقدند رویکرد ایران بالا بردن قدرت چانه‌زنی برای احیای حداکثری برجام است.» در روزهایی که تنها تصویر درحال‌مخابره از خیابان‌های ایران جنگ داخلی است، تلویحا برای تهران خط و نشان می‌کشد و با اشاره به احتمال قدرت گرفتن دوباره بنیامین نتانیاهو در تل‌آویو، مساله جنگ نظامی علیه ایران را هم دور از انتظار نمی‌داند. او با این اظهارنظر که: «با توجه به قابلیت‌های هسته‌ای ایران، نیازی به غنی‌سازی ۶۰ درصدی در هیچ کجای صنایع کشور وجود ندارد. اگر مذاکره بعد از دو سال به نتیجه نرسیده و احتمالاً هم با مجموعه شرایطی که گفتم چشم‌انداز روشنی برای یک نتیجه دیپلماتیک نباشد، تولید این همه

حدود ۱۰ ماه از این اظهارت علی واعظ می‌گذرد باید از علی واعظ پرسید آیا آن چند ماهی که تعیین کرده بود هنوز تاریخ‌مصرفش تمام نشده؟ اگر تمام نشده است، برخلاف تهدید علی واعظ شاهد هستیم که هنوز هیچ توافقی برای بازگشت به برجام صورت نگرفته و میدان تقابل نظامی به جای ایران به تل‌آویو منتقل شده است.

## توافق موقت چی شد پس؟

علی واعظ دی ماه سال ۱۴۰۰ در گفت‌وگویی ضمن آنکه پایداری برجام را نیازمند یک معامله بزرگ‌تر خواند مدعی شد: «اگر تا پایان ژانویه سرعت روند دیپلماسی بیشتر نشود، به‌طور قطع آمریکا به توافق موقت را روی میز بگذارد. اگر چه طرف آمریکایی تلاش داشت تا توافق موقت را در دستور کار قرار داده و آن را به‌عنوان آخرین راه مطرح کند و واعظ نیز چنین رویکردی را در دستور کار قرار داده بود. او حتی در این گفت‌وگو توافق موقت را به‌عنوان تنها عامل بازدارنده از تقابل نظامی مطرح می‌کند و می‌گوید: «در شرایطی که غرب بخواهد تحریم‌های جدیدی برای ایران وضع کند یا از مکانیسم ماشه برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران استفاده کند و ایران نیز همچنان برنامه هسته‌ای را با سرعت زیاد پیش ببرد و به آستانه تسلیحات هسته‌ای نزدیک شود، شرایط برای یک درگیری نظامی بسیار مهیاتر خواهد بود تا رسیدن به راه‌حلی دیپلماتیک. به‌همین دلیل و با توجه به اینکه رسیدن به توافق بیشتر در مقابل بیشتر زمان بر خواهد بود، تنها گزینه‌ای که می‌تواند جلوی بدتر شدن شرایط را بگیرد، توافق موقت است؛ به این صورت که در آن اندکی از فشار تحریم‌ها کاسته و در مقابل، اندکی از سرعت برنامه هسته‌ای کم شود و در نتیجه زمان و فضای بیشتری برای مذاکره بر سر توافق جایگزین برجام به‌وجود بیاید.» علی‌رغم این تهدیدات اما ایران به چنین پیشنهادی اقبال نشان نداد و طرف غربی نیز ناگزیر شش‌ان را از دستور کار خود خارج کند تا جایی که خود واعظ نیز هفته گذشته در توئیترش پایان این پیشنهاد را اعلام کرده و می‌نویسد: «آیا پیشنهاد توافق موقت روی میز وجود دارد: خیر» او البته توضیح نمی‌دهد که اگر پیشنهاد توافق موقت دیگر روی میز نیست پس تکلیف حمله نظامی که تهدید آن را مطرح کرده بود چه شد؟

## هدف از ایده توافق موقت

توافق موقت در حقیقت بستری است که طرف آمریکایی با هدف در دستور کار قرار دادن برجام آن را دنبال می‌کرد. واعظ در گفت‌وگوی خود در دی ماه ۱۴۰۰ به این واقعیت این‌گونه اعتراف می‌کند که: «مشکل این است در وضعیتی که برنامه هسته‌ای در حال حاضر از هر زمانی به آستانه تسلیحات هسته‌ای نزدیک‌تر است اگر شرایط مناسب و پایداری برای مذاکره فراهم نشود، به‌همین دلیل یا به توافقی موقت نیاز است یا باید برجام به‌همان شکلی که بود احیا شود تا نهایتاً دو طرف به توافقی مرضی‌الطرفین و باثبات برسند.»

## واعظ: قبول داریم آمریکا مقصره اما

### ایران باید انعطاف نشون بده

خروج یکجانبه آمریکا از برجام به قدری در ایجاد تصویر یک دولت بدعهد کارآمد عمل کرده است که حتی تحلیلگران غربی نیز گریزی جز پذیرش ندارند. نکته تعجب‌برانگیز اما این است که با قبول این تقصیر از طرف آمریکایی باز هم مطالبه زیاده‌خواهانه برای انعطاف از جانب ایران مطرح می‌شود. علی واعظ در همین راستا در مناظره‌ای چندجمله‌ای در توئیتر با دیاکو حسینی می‌نویسد: «تقصیر طرف آمریکایی در خروج از برجام و تحریم، و طرف اروپایی در عدم اهتمام به احیای منافع اقتصادی برجام در سال‌های گذشته، بر کسی پوشیده نیست. سوال این است که ایران تا چه حد در جهت احیا/تضییع حق خود گام برمی‌دارد؟» واعظ در این توییت در حالی که تقصیر طرف آمریکایی را قبول کرده، هزینه این تقصیر را نیز به دوش ایران انداخته و در جهت احیای حق خواهان گام برداشتن ایران می‌شود بدون اینکه اشاره کند طرف خاطی یعنی واشنگتن در جهت جبران تبعات تصمیم خود چه گام‌هایی را برمی‌دارد. چنین منطقی‌مبنای سایر اظهارات غربی‌ها را نیز تا حد زیادی مشخص می‌کند. منطقی که باعث می‌شود طرف غربی هر بار برای تحقق اهداف خود متوسل به تهدید شود و در نهایت نیز علی‌رغم شکست این تهدیدها همچنان به مسیر مضحک خود ادامه دهد.

## مامور تهدید ایران؛ بعد از شکست

### پروژه پاییز ۱۴۰۱

یکی از جدی‌ترین نکاتی که درباره شخصی مثل

**فرهیختگان** خروج یکجانبه آمریکا از برجام باعث شد تا تهران برای بازگشت مجدد ایران به این توافق تضمین‌هایی را از واشنگتن مطالبه کند تا باب عهدشکنی مجدد را تا حد زیادی مسدود کند. طرف آمریکایی که هرگونه ارائه تضمین را به معنی پذیرش خطا واشنگتن تلقی می‌کند اما تاکنون از ارائه تضمین سرباز زده و بارها تلاش کرده تا چشم خود را بر سابقه سیاه خود بسته و بدون دادن هیچ غرامت و تضمینی به برجام بازگردد. نکته جالب توجه در این باره این است که طرف آمریکایی حتی پا را از این مقدار نیز فراتر گذاشته و بازگشت به برجام را به‌عنوان زمینه‌ای برای برجام ۲ معرفی می‌کند. برجام ۲ی که قرار است محدودیت‌های هسته‌ای ایران را به منطقه‌ای و نظامی تعمیم دهد. ایران اما با فشاری بر مواضع خود در برابر این مطالبه زیاده‌خواهانه ایستادگی کرده است. در قبال این ایستادگی واشنگتن مسیر تهدید و ارباب را در پیش گرفته است. طی چندسالی که ایران با دولت‌های غربی در حال مذاکره بوده، استفاده از ادبیات تهدیدآمیز ابزار تکراری بوده که طرف غربی با هدف امتیازگیری بارها آن را به کار برده و آنقدر واژه ضرب‌الاجل را به کار گرفته و به آن پایبند نبوده که باعث از معنی تهی شدن این واژه و مضحکه شدنش شده است. اوج عملی کردن این تهدیدات لفظی را می‌توان جنگ ترکیبی دانست که دولت‌های غربی با امید امتیازگیری دیپلماتیک در چند ماه اخیر در دستور کار قرار داده و دست آخر نیز دست از پا درازتر به میز مذاکره بازگشتند. در ادبیات تهدیدآمیز طرف‌های غربی علاوه بر واژه ضرب‌الاجل، مکانیسم ماشه و حمله نظامی نیز بارها به کار گرفته شده‌اند. واژگانی که هیچ‌وقت از مرز مصاحبه‌های مطبوعاتی فراتر نرفته و استیصال غربی‌ها را بیشتر به تصویر کشیده است. با شکست پروژه آشوب‌منادیان پوشالی نبرد نظامی بار دیگر مسیر تهدیدهای رسانه‌ای را در پیش گرفته‌اند. جدیدترین نمونه این تهدیدها را علی واعظ، مشاور تیم مذاکره‌کننده آمریکایی مطرح کرده است. او که به‌عنوان مدیر میز ایران در گروه بین‌المللی بحران فعالیت می‌کند تاکنون بارها به تریبون غیررسمی برای مقصر نمایی و تهدید ایران تبدیل شده است. واعظ در مطلبی که روز شنبه ۹ اردیبهشت در صفحه توئیتر خود منتشر کرده است بار دیگر به‌طور غیررسمی از فعال شدن مکانیسم ماشه خبر می‌دهد تا با این تهدید ایران را وادار به کوتاه آمدن از مطالبات خود کند. او در این باره می‌نویسد: «هفته گذشته سه کشور اروپایی با دعوت از ۱۰ عضو منتخب شورای امنیت سازمان ملل آنها را در جریان ریزی‌ها در مورد استفاده از مکانیسم ماشه قطعنامه ۲۲۳۱ برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل در صورت عبور ایران از خطوط قرمز هسته‌ای قرار دادند.» این اولین باری نیست که واعظ مطلبی با هدف تهدید ایران منتشر می‌کند. او قبل از ماجرای پاییز ۱۴۰۱ بارها این اقدام را انجام داده و حتی از اقدام نظامی علیه ایران سخن به میان آورده بود. اقدامی که سالیان سال است دولتمردان آمریکایی رویای آن را در سر می‌پروراند اما علی‌رغم اظهارات لفظی هیچ‌گاه جرات عملیاتی‌سازی آن را به خود نداده‌اند. علی واعظ یعنی فردی که تیم مذاکره‌کننده آمریکایی تصمیم گرفته از او به‌عنوان مترسک رسانه‌ای استفاده کند علی‌رغم نقض شدن چندباره اظهاراتش از این رویکرد دست برنداشته و بعد از شکست پروژه آشوب‌های خیابانی با شدت بیشتر زبان به تهدید گشوده است. در ادامه به بازخوانی مواضع تهدیدآمیز علی واعظ و برخی اهداف پشت‌پرده پروژه رسانه‌ای او پرداخته‌ایم.

## پس کی می‌رسیم؟

رسیدن به نقطه گریز هسته‌ای کلید واژه‌ای بوده که طرف غربی بارها به‌واسطه آن ایران را تهدید به حمله نظامی کرده و مدعی است به تعویق افتادن توافق بازگشت به برجام فاصله ایران تا رسیدن به این نقطه را به چند ماه کاهش داده است. علی‌رغم دستمایه‌ای قرار دادن چندین باره این کلیدواژه اما طرف غربی هیچ‌گاه حاضر نشده اعلام کند ایران به چنین نقطه‌ای رسیده تا از طرفی اهرم تهدید لفظی را نسوزاند و از طرف دیگر در قبال چرایی اجرائی نشدن تهدید حمله نظامی فرصت پاسخ‌دهی و مغالطه را حفظ کند. علی واعظ نیز از قافله خطیبان نقطه‌گریز جامانده و در تیرماه سال ۱۴۰۱ در یک گفت‌وگو در شورای روابط خارجی اروپا مدعی می‌شود: «اگر برجام توافق نشود و ایران به روند افزایش توان هسته‌ای ادامه داده و بعد از چند ماه از نقطه گریز بگذرد، بایدن در شرایطی خواهد بود که با یاد ایران هسته‌ای را بپذیرد یا دست به حمله نظامی بزند. اسرائیل بعد از نتانیاهو دست از شعارهای افراطی برداشته اما در شرایطی که ایران از نقطه گریز از مرکز عبور کند، آمریکا برای حمله به ایران تحت فشار خواهد گذاشت.» درحالی که

**امام بزرگوار**  
**روح جمهوری اسلامی است؛**  
**اگر این روح از جمهوری اسلامی**  
**گرفته بشود و مورد بی‌توجهی**  
**قرار بگیرد، نقشی بر دیوار**  
**باقی خواهد ماند.**  
مقام معظم رهبری  
۱۴ خرداد ۱۴۰۱

سامواری بزرگداشت  
حضرت امام خمینی

**بسم الله الرحمن الرحيم**  
**سی و چهارمین سالگرد ارتحال ملکوتی رهبر کبیر انقلاب اسلامی امسال در حالی فرامی‌رسد که با کمتر شدن محدودیت های بیماری منحوس کرونا، مردم عزیز ایران اسلامی، آماده برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم های بزرگداشت حضرت امام خمینی (س) در سراسر کشور می‌شوند. از این رو خادمان امام روح الله در ستاد بزرگداشت آن حضرت جهت حضور پر شور و تجدید عهد و میثاق با امام عظیم الشان در حسینیه جماران و حرم مطهر، آماده دریافت برنامه های افشار مختلف مردم از سراسر کشور، وزارتخانه ها، سازمان ها، نهاده ها، جمعیت ها، احزاب، فرهنگیان، دانشگاهیان و ورزشکاران گرامی هستند. همچنین این ستاد با گوش جان مشتاق شنیدن نظرات، پیشنهادها و انتقادات سازنده مردم عزیز میهن اسلامی خصوصا اندیشمندان، فرهیختگان، محققان، علما و روحانیت معزز و همه وفاداران به راه و اندیشه امام راحل خواهند بود، تا بار دیگر تجدید عهدی باشد با آن یگانه دوران که تنها برای خدا قیام کرد و با استبداد و استکبار به مبارزه برخاست.**

**روابط عمومی ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (س)**

**کمیته روابط عمومی: ۰۲۱۶۶۴۸۱۰۳۰**  
**نمابر: ۰۲۱۶۶۴۹۷۱۹۲**  
**پایگاه اطلاع رسانی: www.jamaran.news**  
**پست الکترونیک: misagh@jamaran.news**  
**پیام رسان ایثا: @misaghbaemam**  
**پیام رسان تلگرام: @misagh34**

شماره م الف: ۴۱۷

شماره شناسه: ۱۴۸۷۸۴۴